

گناہِ باران

سید محمود علی گیلانی

دیباچہ:

دکتر عبدالرضا مدرس زاده

سرشناسه: علوی نیا، محمود
عنوان و نام پدیدآور: گناه باران، سید محمود علوی نیا، دیپاچه: عبدالرضا مدرّس زاده،

ویراستاری سمیه سادات علوی نیا
مشخصات نشر: کاشان: قلم طلائی، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۰۴-۷-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۴

Persian poetry--20th century

شناسه افزوده: مدرّس زاده، عبدالرضا، ۱۳۴۸، مقدمه نویس

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ گ ۹ ۸۵۵۴ ل / PIR ۸۳۵۴

رده بندی دیویی: ۸۶۲ / ۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۵۴۰۰۶

گناه باران

سید محمود علوی نیا

ناشر: قلم طلائی

دیپاچه: عبدالرضا مدرّس زاده

ویراستار: سمیه سادات علوی نیا

حروف چینی و مقابله: فهیمه ربانی

طرح جلد: سید امیر مرتضوی

ویرایش و آماده سازی نهایی: فاطمه رحمانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

قطع: رقعی

تعداد صفحات: ۲۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۰۴-۷-۹

مراکز پخش:

کاشان: میدان کمال الملک- کوچه نبش پاساژ شیرین- ساختمان شرکت فرش

۰۹۱۳۲۶۳۳۷۴۷-۵۵۴۴۴۳۱۱-۵۵۴۴۹۰۱

EMAIL: ENTESHARAT.GHALAMETALAEI@ YAHOO.COM

کاشان: میدان ۱۵ خرداد- طبقه پایین بانک انصار- فروشگاه ساربوک ۰۳۱۵۵۴۵۰۳۱۳

WWW.SARBOOK.COM

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



فهرست

صفحه	عنوان
۱۱	دیباچه
۱۵	سخن شاعر
۱۹	سپید
۲۱	بی عنان
۲۳	غزلها
۲۵	پیلۀ درد
۲۶	خنجر نگاه
۲۷	رؤیای عاشقی
۲۸	آشنای چشم من
۳۰	وحدت در کثرت
۳۲	یک بیت تبسم
۳۳	زبان شهر
۳۴	تقدیر
۳۵	زیباترین غزل
۳۶	چه دیر
۳۷	چیزی شبیه معجزه
۳۸	دو رکعت عشق
۳۹	غم کهنه
۴۰	عاشقت شدم
۴۱	پاییز شعرخوانی
۴۲	توبه
۴۳	نگاه غزلی

۴۴	آخرین خبر
۴۶	خاطره خنجر
۴۸	بهتر از غزل
۴۹	سایه آتش
۵۰	تو مگر تقدیری
۵۱	دوست دایم تو
۵۲	حسرت مجید
۵۳	یادگار جوانی
۵۵	غیرت عشق
۵۷	تندیس بی احساس
۵۸	قیامت
۵۹	هوای مبهم
۶۰	طرح غریب
۶۱	قالب سروده های من
۶۲	بهار منجمد
۶۴	خوبترین
۶۵	صبور
۶۶	آزاده اسیر
۶۷	به سایهات بنشینم کمی غزل بشوم
۶۸	خسته ام
۶۹	گمراه
۷۰	رسم سفر نبود
۷۲	ساده تر از سادگی
۷۳	بهانه
۷۴	موزونی تو وزن سرودم

- ۷۵ پنجره دعا
- ۷۶ پایان من
- ۷۷ تدبیر دیوانگی
- ۷۸ نگاه اشتباه
- ۷۹ سبز تو بن باشیم
- ۸۰ فاصله
- ۸۱ ایمان، پشمانت
- ۸۲ تفاوت
- ۸۴ چون من از تو بشی برفت
- ۸۵ نیمه راه تردید
- ۸۶ چشمان تو سردتر عسل است
- ۸۷ بی نظیر
- ۸۸ بازار عشق
- ۹۰ کبوتر با کبوتر
- ۹۱ ای غایب از نظر
- ۹۲ مصیبت شیرین
- ۹۴ غریبه
- ۹۵ سطر آخر
- ۹۷ فروغ
- ۹۸ با تو
- ۹۹ راز چشم تو
- ۱۰۰ کوچ
- ۱۰۱ بی گناه سوزاندی
- ۱۰۳ همیشه هستی
- ۱۰۴ من و ... تو

۱۰۵.....	همینم که هستم
۱۰۷.....	شاهنامه
۱۰۸.....	شیطان من
۱۱۰.....	«بزرگ بود و از اهالی» خورشید
۱۱۲.....	کویر و باران
۱۱۳.....	گناه باران
۱۱۴.....	تیر خنجر
۱۱۵.....	چاه ماه
۱۱۷.....	مترسک تاریخن
۱۱۹.....	اسکلت سوخته
۱۲۰.....	گوش بدهکار
۱۲۲.....	الوند
۱۲۳.....	هنرفروش
۱۲۵.....	شکوه فساد
۱۲۸.....	هیاهوی قیامت
۱۲۹.....	کیمیا
۱۳۰.....	یک ناگهان
۱۳۱.....	گل بوسه زخم
۱۳۲.....	فریب آینه
۱۳۳.....	تفاوت من و تو
۱۳۵.....	ردیف دست
۱۳۷.....	به سر سلامتی ایران
۱۳۹.....	داغ کویر
۱۴۰.....	امروز
۱۴۲.....	دروغ

۱۴۳	 مهره‌های سوخته
۱۴۵	 دوبیتی پیوسته (چهارپاره)
۱۴۷	 دیر دانستم
۱۴۹	 انتخاب من
۱۵۲	 آخرین خواهش
۱۵۴	 رفتی... رو
۱۵۶	 قول بی‌ستوانه
۱۵۹	 تابستان آن سال
۱۶۱	 رباعی‌ها
۱۷۳	 سوغ‌نامه
۱۸۱	 دوبیتی‌ها
۱۸۳	 تک بیتی (مفردات)
۱۸۹	 قطعه موشح
۱۹۰	 سراب صبح
۱۹۳	 مثنوی
۱۹۵	 ساقی‌نامه

دیباچه

این روزها شعر خوب شنیدن و خواندن در حال تبدیل شدن به رؤیایی دست نیافتنی یا کمتر یافتنی است. این سخن به ویژه در روزگاری که در هر دقیقه - به برکت فضای مجازی - ده‌ها شعر رنگارنگ - با عکس و شرح و تصویر! - به دست انسان می‌رسد، مخنی شگفت‌انگیز است اما راست این است که با دریغ بسیار همیشه کیفیت‌ها بر کیفیت لطمه زده‌اند.

اگر کسی از گشت و گذار در دنیای رسانه‌های مجازی بخواهد ره‌آوردی برای خاطر مشتاق شعر بیابد، مستی ابیات سراسر بوسه و آغوش و گردن و گیسو برایتان خواهد خواند که ارزش ماندگاری آن‌ها به اندازه هیجانی است که نفس در لحظاتی خود سرگرم و دل‌گرم آن‌هاست.

این سخن به معنی نادیده گرفتن آثار گنج‌بهایی نیست که در این فضای به شدت مجازی مجال انتشار می‌یابند بلکه منظور غلبه‌ای است که حدیث نفس و عشق‌های مجازی در این فضای مجازی دارد. در به راستی می‌توان برخی را ملک‌الشعراي فضای مجازی و استاد یگانه و بی‌بدین طرح موضوعات و احساسات مجازی دانست. اگر شعری قدیم متهم است که در سق از دست اسافل اعضای معشوق سخن رانده است، چرا شعر مجازی امروز به واسطه این معشوق سرخی لب و خم کردن حرف زدن عزیز و گرامی است؟!

شعر راستین و جان‌دار و مایه‌دار البته آن است که نخست از سر دقت و علو طبع و فرزاندگی و فرهیختگی شاعر، سروده شده باشد و بعد بنا به اقتضای حال و مقال نسخه‌ای از آن در گروه‌های اجتماعی دست به دست شود.

به نظر این معلم فقیر، هر جا که شاعر از سیر در افق‌های دور و دراز فکر و فرهنگ ایرانی و اسلامی دیار خویش باز می‌ماند و از احساس، صرفاً کارکردی مقطعی و آنی برای جلب توجه و نظر دیگران طلب می‌کند شعر به سوی شعارهای تاریخ مصرف‌دار مایل می‌شود. با این تفاوت که به جای مرده‌باد و زنده‌بادهای سیاسی، از هیجانات دیرستانی و سال‌های مجردی سخن به میان آمده است.

نیاز خواننده امروز شعر فارسی بیان احساس و طرح مسیر عاشقانه، احساسی و اجتماعی و فرسنگی است و این شاعر است که می‌تواند با توزیع احساسات شاعرانه و هنرمندانه خویش، بخش‌های گوناگون، خواننده را سر سفره رنگین معنی و مضمون بنشاند و با دیدگاهی دیگر، این شاعر است که محتوای انبان فکر و فرهنگ مردم را تعیین و معین می‌کند.

از کدام دوره تاریخی، سراغ داریم که شاعران صرفاً هنر خویش را صرف یک گونه احساس‌گرایی کرده‌اند و یا خوانندگان شعر چنین یک‌سو نگر و تک بُعدی بوده‌اند. پاسخ این پرسش به معنی نیازهای همیشگی و ریشه‌دار فرهنگی مردمان این سرزمین است. هر چند که گل سرسبد شعر در دوره‌های تاریخ ادب فارسی شعرهای عاشقانه و احساسی بوده است که خود گریزی معنی‌دار در این سرزمین کویری بهارپسند و عشق‌پرور است....

کتاب حاضر، سومین مجموعه شعر شاعر صمیمی هم‌روزگار ما استاد سید محمود علوی‌نیا است که به پیشگاه خوانندگان فهیم و فرهنگ‌دوست شعر فارسی عرضه می‌شود.

شاعر در این مجموعه کوشش کرده است بیان تازه‌ای از احساس‌گرایی و عشق‌ورزی را به یادگار بگذارد که معجونی از شکر و شکایت و انتقاد از نامرادی‌ها و ناکامی‌های عاشق را پیش چشم می‌آورد.

اما شاعر ارجمند به واسطه‌ی باورهای دینی و فرهنگی در کنار عشق‌سرایی، برخی نثرهای آیینی و اجتماعی هم در این مجموعه جای داده‌اند که شایان بهره‌مندی و تحسین است.

غزل مردوف به «دست» در نکوداشت مقام علمدار شامخ و بزرگوار دشت کربلا از هر حیث یکی از خواندنی‌های این مجموعه است. نیز شعری که با ردیف «تاریخی» سروده شده است از گونه‌ای دیگر از دغدغه‌های شاعر پرده‌برداری می‌کند که جالب توجه است.

شاعر ارجمند که در اندیشه بین هنر و زندگی‌های خویش به شکلی پاکیزه و دوست‌داشتنی تردید ندارد، گاهی زبان شعر را تا سر حد تعییرات عامیانه‌ای مانند: گیرد آدم ز دست تو غم‌باد، سوق می‌دهد و در همین اساس در بیان عاشقانه به برخی وقوع‌گویی‌ها می‌پردازد- که البته در قیاس با برخی شاختگی‌های بی‌حد و مرز امروزی- خود کم هنری نیست: حواس تو به همه هست، اما نه! یا: من عاشقت شدم و تو گفتی چه مسخره؟!

کارکرد دیگر شاعر در این مجموعه، پیوند برقرار کردن میان شعر کهن فارسی و شعر امروز است. هم تعییرات و ترکیب‌هایی مانند قیامت قامت و عروس دهر و رند نظرباز در این مجموعه به چشم می‌آید هم استقبال از شاعران بزرگ ادب سنتی به ویژه حضرت حافظ و جناب سعدی.

توفیق روزافزون شاعر گرامی جناب استاد علوی‌نیا را در پاسداشت زبان و شعر فارسی و تبیین باورهای انسانی به زبان فاخر و هنرمندانه از خداوند متعال خواستار است.

کنار کلبه تنهای بی‌آتش
 دلم می‌گیرد از شب‌های بی‌آتش
 پرازان حال و سردی می‌شود ذهنم
 اگر باور کنم دنیا بی‌آتش
 دلم تا در پناه مهرش آسوده‌ست
 نخواهم چون سمندر جام بی‌آتش
 سده، عید غدیر و فطر و نوروز
 بدون تو شود یلدای بی‌آتش
 دعای خیر «آتش» مرد خوبی‌ها
 برد جنت مرا فردای بی‌آتش

عبدالرضا مدرّس‌زاده

عید فطر ۱۴۳۷

۱۶/ تیر ۱۳۹۵